

امنیت در خلیج فارس بر مبنای راهبردهای جمهوری اسلامی ایران؛ نقش رهیافت فرهنگ راهبردی و امنیت مشترک منطقه‌ای

علی جعفری^۱، * محمد سهرابی^۲، محمد شاه محمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی سیاستگذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه مدیریت دانش، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۶ آبان ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۳۰ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۲

چکیده

خلیج فارس نوعی پیوستگی و وابستگی متقابل امنیتی بین کشورها و بازیگران منطقه‌ای ایجاد کرده است. بنابراین تلاش برای دستیابی به مدل مشخص و واقع‌گرایانه برای رفع چالش‌های امنیتی در خلیج فارس، ضروری به‌نظر می‌رسد. در این پژوهش در پی ارائه الگوی امنیتی بر مبنای امنیت مشترک و رهیافت فرهنگ راهبردی به‌منظور گذار از امنیت ملی به امنیت انسانی در منطقه هستیم که به‌صورت کمی روی خبرگان، مدیران، کارشناسان و فعالان حوزه امنیت در سال ۱۴۰۱ انجام شده است. به‌دنبال پاسخ این پرسش هستیم که راهبردهای جمهوری اسلامی ایران چه ارتباطی با رهیافت فرهنگ راهبردی و امنیت مشترک در خلیج فارس دارد؟ این پژوهش را بر مبنای روش تحقیق کمی و کیفی و تحلیل توصیفی با روش همبستگی و با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه درباره نظام امنیت منطقه‌ای پژوهش انجام داده‌ایم. همچنین در این پژوهش از مدل معادلات ساختاری برای تدوین مدل، استفاده کرده‌ایم. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که امنیت مشترک بر الگوی تحقق امنیت خلیج فارس تأثیر دارد. ضریب مسیر بین دو متغیر ۰،۴۲، از سطح معناداری ۲۵،۳۶ برخوردار است که مطلوب است، زیرا از ۱،۹۶ بیشتر است؛ بنابراین وجود تأثیر معنادار تأیید می‌شود. همچنین مطالعه نشان می‌دهد که نظریه رهیافت فرهنگ راهبردی بر الگوی تحقق امنیت خلیج فارس تأثیر دارد. ضریب مسیر بین دو متغیر ۰،۶۸، از سطح معناداری ۱۶،۷۴۵ برخوردار است که مطلوب است، زیرا از ۱،۹۶ بیشتر است؛ در نتیجه وجود تأثیر معنادار تأیید می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

امنیت خلیج فارس، امنیت مشترک، امنیت منطقه‌ای، رهیافت فرهنگ راهبردی.

* نویسنده مسئول:

دکتر محمد سهرابی

نشانی:

استادیار گروه علوم سیاسی،
واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

پست الکترونیک:

moh.sohrabi@iauctb.ac.ir

استناد به این مقاله:

جعفری، علی، سهرابی، محمد، شاه محمدی، محمد. (۱۴۰۲). امنیت در خلیج فارس بر مبنای راهبردهای جمهوری اسلامی ایران؛ نقش رهیافت فرهنگ راهبردی و امنیت مشترک منطقه‌ای. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۲۵)، صص: ۲۷-۴۶.

۱. مقدمه

امنیت مفهومی آشنا و قابل شناخت برای تمام جوامع بشری از جوامع اولیه چون قبایل کوچک گرفته تا امپراتوری‌های بزرگ جهان باستان و دولت شهرهای یونان بوده است. به همین شکل، امروز نیز تلاش برای رسیدن به «وضعیت امن» اولویت نخست سیاست‌های واحدهای سیاسی مختلف را تشکیل داده و راه‌های تأمین آن از جایگاه خاصی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی دولت‌ها در قالب امنیت ملی برخوردار است (Hayat Moghadam and colleagues, 2017: 46-63). در توصیف واژه امنیت اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد؛ داریوش آشوری در تعریف امنیت گفته است: «امنیت در لغت عبارت از حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله که در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به کار برده می‌شود. ایان بلانی در تعریف امنیت می‌گوید: «امنیت یعنی رهایی نسبی از جنگ». لارونی مارتین در خصوص تعریف امنیت معتقد است: «امنیت، تضمین رفاه آینده است». جان نی مورز می‌گوید که امنیت عبارت از «رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش» است. با وجود اختلاف نظرهای بسیار می‌توان گفت امنیت دو بعد داخلی و خارجی دارد که با یکدیگر مرتبط هستند (Ghorbani, 2012: 3-10).

در نسبت‌سنجی میحیاتان نظریه امنیتی و امنیت داخلی می‌توان سه رویکرد را از هم متمایز کرد. نظریه پردازان جریان اصلی مطالعات امنیتی (به‌ویژه واقع‌گرایی) بیشتر نگاهی بیرونی به تهدیدهای امنیتی داشته و بیشتر به برجسته کردن ابعاد نظامی امنیت پرداخته‌اند. بنابراین برای آن‌ها امنیت داخلی چندان اهمیتی ندارد. برخی دیگر، همچون بوزان به امنیت داخلی نگاهی تبعی داشته و موضوعات داخلی را وقتی زمینه‌ساز و تقویت‌کننده تهدیدهای بیرونی شده‌اند، موضوع مطالعات امنیتی دانسته‌اند. در مقابل، برخی نظریه‌های متأخر مانند رهیافت پسااستعماری یا جهان سوم‌گرا نیز وجود دارند که معتقدند مسائل امنیتی برخی از کشورها بیش از آنکه متأثر از ابعاد بیرونی تهدید باشد، نشأت گرفته از مسائل داخلی آن‌هاست. با این حال، با توجه به اهمیت بومی‌نگری در علوم انسانی و سیر تحولات مسائل امنیتی در جامعه ایران، به نظر می‌رسد مسائل امنیت داخلی، یکی از حوزه‌های مهم و قابل تأمل در مطالعات مراکز پژوهشی امنیتی ایران، هم از دیدگاه نظری و هم از نظر عملی باید باشد (Za-rezadeh, 2021: 7-32).

خلیج فارس از مهم‌ترین مناطق جهان از نظر ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک محسوب می‌شود

که آن را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای به حساب آورد، بدین مفهوم که عوامل مختلف، نوعی پیوستگی و وابستگی متقابل امنیتی بین کشورها و بازیگران منطقه‌ای را ایجاد کرده‌اند. در کشورهای منطقه، همواره موارد امنیتی زیادی به چشم می‌خورد که می‌توان همه آن‌ها را سیاستی در راستای ایجاد موازنه قدرت یا تثبیت موقعیتی هژمون دانست که چیزی جز تفرقه و واگرایی را به دنبال نداشته است. بنابراین تلاش برای دستیابی به مدل مشخص و واقع‌گرایانه برای رفع چالش‌های امنیتی در خلیج فارس ضروری است.

در این پژوهش به دنبال یک هدف عملی به‌وسیله مطالعه نظریه‌های مختلف امنیت مشترک و رهیافت فرهنگ در خلیج فارس هستیم. از آن جایی که کار سیاست‌گذاری بسامان‌کردن امور است و سیاست‌گذاری امنیتی نیز از ملزومات حیاتی و زیربنایی برای دولت‌ها محسوب می‌شود در این پژوهش پس از بررسی رهیافت‌ها، مراجع و پیشران‌های سیاست‌گذاری امنیتی در منطقه خلیج فارس، به دنبال ارائه الگوی امنیتی بر مبنای امنیت مشترک و رهیافت فرهنگ راهبردی به منظور گذار از امنیت ملی به امنیت انسانی در این منطقه هستیم که به صورت کمی روی خبرگان، مدیران، کارشناسان، فعالان حوزه امنیت در سال ۱۴۰۱ انجام شده است. نتایج مطالعه نشان داد که امنیت مشترک و رهیافت فرهنگ راهبردی بر الگوی تحقق امنیت خلیج فارس تأثیر معناداری دارد.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد امنیت خلیج فارس و رهیافت فرهنگ راهبردی و امنیت مشترک، مطالعات مختلفی انجام شده است که در دو حوزه مطالعات داخلی و خارجی بررسی کرده‌ایم.

۲-۱. مطالعات داخلی

طاهری و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه موردی مجموعه امنیتی خلیج فارس)» می‌گویند با توجه به تبیین و تحلیل عوامل تأثیرگذار در خلیج فارس به‌عنوان یک مجموعه امنیتی از جمله بررسی فرایندهای امنیتی خلیج فارس که شامل تعارضات قومی و مذهبی و سرزمینی است، همچنین میزان روابط تعارضی میان کشورهای مجموعه، ناموازن بودن ساختار قدرت در منطقه، رسوخ‌پذیر بودن مجموعه امنیتی خلیج فارس نسبت به ساختار قدرت سیستمی، قرارگرفتن در بخش پیرامونی ژئواکونومیک، تولید انرژی و در نتیجه، شباهت در تولید و اقتصادهای واگرا، امکان شکل‌گیری الگوهای امنیتی

جمع‌گرایانه وجود نداشته و در نتیجه، سازه‌های حاکم از نوع فردگرایانه است. ابراهیمی (۱۳۹۸) در مقاله «تأثیر تحولات ۲۰۱۱ خاورمیانه بر ارتقای مجموعه امنیتی خلیج فارس» حضور نیروهای آمریکایی در منطقه خلیج فارس از یکسو و چالش‌هایی که کشورهای عضو شورای همکاری به‌ویژه امارات عربی متحده و عربستان به آن دامن می‌زنند از سوی دیگر، مجموعه امنیتی کشورهای حاشیه خلیج فارس را با مشکل مواجه کرده است و بدین ترتیب مانع ارتقای مجموعه امنیتی خلیج فارس می‌شود.

عاشوری و مرتضایی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز» در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهند که منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز هم اهمیت منطقه‌ای دارند و هم از نظر امنیتی بسیار شکننده هستند. در این زمینه، ایران خواستار امنیت مشارکت‌جویانه منطقه‌ای و بازدارندگی امنیتی منطقه‌ای در مقابل تهدیدات امنیتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. اسماعیلی و پارسایی (۱۳۹۲) در مقاله «الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قوانین برنامه توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی» می‌گوید برای اجرایی شدن نظریه‌های امنیت ملی به‌منظور تأمین امنیت دولت-کشورها در عرصه بین‌الملل دو امر مهم لازم است: نخست اینکه باید در قالب الگوی راهبردی خاصی همچون الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی ایران طبقه‌بندی شود؛ دوم اینکه باید متناسب با الگوهای طراحی شده قوانین حوزه امنیت ملی سامان یابد.

قربانی (۱۳۹۱) در مقاله «استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» هدف آمریکا را مهار ایران و کاهش توان موشکی این کشور و نزدیک‌تر کردن هرچه بیشتر کشورهای حوزه خلیج فارس به یکدیگر و فاصله‌گرفتن از ایران می‌داند تا از این راه، ترتیبات امنیتی جدیدی حول ایران هراسی و در راستای تأمین امنیت اسرائیل ایجاد شود. سیمبر و آذین (۱۳۹۹) در مقاله «سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج فارس» نشان می‌دهند که در دولت دوازدهم، بهبود روابط با شورای همکاری خلیج فارس محور اصلی تلاش‌های ایران برای بهبود امنیت منطقه خلیج فارس بوده است، اما تعدادی از موانع ساختاری، بی‌اعتمادی تاریخی و تحرک‌های ایران در منطقه، روابط تهران با کشورهای شورای همکاری را به‌شدت خصمانه کرده و سبب افزایش بیشتر ناامنی در منطقه شده است. ابتکارات صلح ایران با شورای همکاری با موانع بزرگی روبه‌رو شده و موفقیت ایران در کاهش تنش‌ها و برنامه‌ترویج طرح‌های صلح با شورای همکاری خلیج فارس نتیجه‌ای نداشته است.

۲-۲. مطالعات خارجی

گاتار^۱ (۲۰۱۹) در مقاله «محدودیت‌های راهبردی سازمان همکاری شانگهای: قرارگرفتن خلیج فارس و چتر امنیتی آمریکایی آن، بین رقابت و همکاری درون آسیایی» این پرسش را مطرح می‌کند که آیا سازمان همکاری شانگهای، با توجه به ارتباط روزافزون اعضایش با منطقه خلیج فارس، ظرفیت راهبردی برای جایگزینی چتر امنیتی آمریکا برای ایجاد ثبات و تجارت در آنجا را دارد؟ پاسخ‌ها نشان می‌دهد که همکاری درون آسیایی در خلیج فارس تا حدی درگیر یک رقابت درون آسیایی بزرگ‌تر است که احتمالاً با خلأ قدرت پس از خروج احتمالی ایالات متحده تداوم خواهد یافت. بزرگ‌ترین ارزش راهبردی سازمان همکاری شانگهای برای سیاست خلیج فارس در ظرفیت میانجیگری آن نهفته است.

آرافات^۲ (۲۰۲۰) در مقاله «معماری جدید امنیتی برای خلیج فارس» تحلیلی منحصربه‌فرد در زمینه ایجاد یک معماری امنیتی جدید برای خلیج فارس ارائه می‌دهد: شورای همکاری خلیج فارس باید یک فرمول متعادل بین وابستگی خود به ایالات متحده به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت منطقه‌ای و اجتناب‌ناپذیری ایجاد نظم امنیتی جدید برای خلیج فارس ایجاد کند. کاووس اوغلو^۳ (۲۰۱۸) در مقاله «سیاست خارجی پسااستعماری بریتانیا در قبال امنیت خلیج فارس (۱۹۷۱-۱۹۹۱): رویکردی جایگزین» استدلال می‌کند که گفتمان فرقه‌گرایانه به‌کارگرفته شده توسط سیاست خارجی بریتانیا پس از استعمار به‌عنوان ابزاری مؤثر برای امنیتی‌سازی خلیج فارس عمل می‌کرد که در طول درگیری‌های منطقه‌ای مانند جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) عمیق‌تر شد.

با توجه به بررسی این پژوهش‌ها در دو حوزه داخلی و خارجی، یکی از تفاوت‌های پژوهش حاضر با آن‌ها این است که به موضوع امنیت نه تنها از بُعد سنتی و نظامی نگاه کرده است، بلکه موضوع امنیت به صورت هدفمند و در تمایز با نگاه سنتی، با موضوع فرهنگ و اشتراکات امنیتی و به‌طور کلی امنیت انسانی گره خورده است و از این راه به‌دنبال تدوین طرحی نو برای ایجاد امنیت در خلیج فارس مبتنی بر راهبرد جمهوری اسلامی ایران هستیم.

1. Gater
2. Arafat
3. Cavusoglu

۳. چارچوب نظری

با توجه به موضوع پژوهش و محوریت فرهنگ و امنیت مشترک و امنیت دسته جمعی، در این بخش به نظریاتی پرداخته ایم که درباره موضوعات ذکر شده سخن گفته اند. این نظریات از جنبه سخت امنیتی فاصله گرفته و بر مسائلی همچون فرهنگ و اشتراکات امنیتی تأکید دارند.

۳-۱. امنیت مشترک یا امنیت دسته جمعی

الگوی امنیت مشارکتی، این است که همه کشورهای منطقه می توانند امنیت نسبی را با پذیرفتن محدودیت‌هایی برای خویش تأمین کنند. در این ایده، تضمین‌های امنیتی، نه از راه سلطه، بلکه برعکس، با نپذیرفتن گزینش‌هایی به وجود می‌آید که هدفشان کسب سلطه بر رقیبان است. این رویکرد کشورها را به «دوست و متحد و دشمن» تقسیم نمی‌کند، اما تهدیدات علیه همه بازیگران مساوی است و به طور یکسان منافع جمعی را به خطر می‌اندازد. بنابراین همه شرکا خواستار امنیت متقابل هستند. از این رو، توجه کانونی ایده امنیت مشترک به محیط اشتراکی امنیت و نگاه به تهدیدات منطقه‌ای علیه بازیگران یک منطقه، ما را به سمت انتخاب مکتب محیطی برای تحلیل الگوی راهبردی این نظریه رهنمون می‌کند، زیرا در این مکتب، محیط عامل مؤثری بر دولت‌ها بوده و برای رسیدن به ایده امنیت مشترک، دولت‌ها باید از خواسته مطلق خود برای تأمین امنیت مشترک بگذرند (Moradi, 2015).

۳-۲. امنیت کارآمد در منطقه

منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس ذاتاً محیطی متجانس و شامل ملت‌هایی است که از لحاظ برخی جنبه‌های فرهنگی از یکدیگر متفاوتند، ولی در عین حال دل‌مشغولی‌های سیاسی، راهبردی و اقتصادی مشابهی دارند. این منطقه متمایز، با محیط مشترکش بهترین فرصت را برای همکاری ملل ساحلی با یکدیگر به منظور ایجاد یک گروه‌بندی اقتصادی و سیاسی فراهم کرده است. این گروه‌بندی برای بقای اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه در جهان ژئوپولیتیک چندقطبی در حال ظهور حیاتی است (Eftekhari, 2014: 19-29). دولت‌ها تحت تأثیر (ساختار معنایی و نظام هویتی) انگیزه‌ها، اهداف و منافع (ناشی از این ساختار معنایی) ارتباطات جهانی خود را تنظیم می‌کنند؛ این موضوع همکاری گسترده بین دولت‌ها را ایجاد می‌کند و دولت‌ها را وارد عرصه همکاری برون‌مرزی می‌کند (Akhzarian-kashani, 2013: 11-17).

نزدیکی جغرافیایی و میزان تعاملات سیاسی و اقتصادی همسایگان و آسیب‌پذیری‌های متقابل کشورهای منطقه به حدی است که می‌توان امنیت و ناامنی در خلیج فارس را به هم پیوسته ارزیابی کرد. براساس نظریه وابستگی متقابل، ترتیبات امنیتی خلیج فارس نیز برخاسته از الگوی طبیعی وابستگی متقابل کشورهای این منطقه است، زیرا میزان تعاملات در سطح منطقه آن‌چنان گسترده است که هر بحرانی در یک کشور می‌تواند به سرعت در منطقه تأثیر بگذارد. به بیان دیگر، امنیت یکی مساوی با امنیت دیگری شده است. نگرانی‌های امنیتی آن‌ها به اندازه‌ای به هم وابسته است که تصور امنیت ملی آن‌ها به صورت متمایز از یکدیگر ممکن نیست (Amiri and colleagues, 2020: 12-18). خلیج فارس به عنوان یک مجموعه، برای تنظیم روابط امنیتی میان کشورهای عضو از یک سو و مقابله با تهدیدات و چالش‌های درون و برون منطقه‌ای از سوی دیگر، به یک سیستم امنیتی کارآمد نیازمند است. بر این اساس، کشورهای این منطقه در یک سیستم امنیتی به هم پیوسته و به عنوان یک مجموعه، متأثر از وابستگی متقابل امنیتی میان یکدیگر به سر می‌برند (Salmani pourlak, 2014: 75-89).

پیش از پرداختن به نظریه‌های امنیت ملی، می‌توان به موضوع سیاست همسایگی در منطقه خلیج فارس نیز اشاره کرد که البته برای ایران شایان توجه است. مناطق پرتنش و بی‌ثبات یا محصول روابط تنش‌آمیز همسایگان است یا نتیجه روابط همسایگی معیوب. در نقطه مقابل، مناطق آرام و با ثبات، محصول رژیم‌ها و قواعد آگاه به روابط همسایگی است. روابط همسایگی^۴ و نه لزوماً روابط همسایه‌ها، در یک سیر طبیعی به منطقه‌گرایی درون‌زا منجر می‌شود. صلح و ثبات نسبی، هم‌زیستی متقابل، تفاهم حداقلی در مورد مسائل اصلی و وابستگی متقابل سیاسی و امنیتی، حتی به‌شکلی نامتقارن، از مهم‌ترین شاخص‌های منطقه‌گرایی درون‌زا محسوب می‌شود. در این نوع از منطقه‌گرایی، مداخلات قدرت‌های برون منطقه‌ای نیز متعادل می‌شود. مداخلات منفی قدرت‌های برون منطقه‌ای کاهش و مداخلات مثبت افزایش می‌یابد. اتحادیه اروپا و آمریکای شمالی و آسیای شرقی، سه الگوی منطقه‌گرایی هستند که نقطه شروع فرایند منطقه‌گرایی در آن‌ها روابط همسایگی بوده است. برای ایران روابط و سیاست همسایگی به دلایل زیر اهمیتی مضاعف دارد:

۱. ژئوپلیتیک ایران فارغ از نوع حکومتی که بر آن حاکم است، روابط همسایگی را مسئله اول سیاست خارجی قرار می‌دهد. تجربه تاریخی دو قرن اخیر نشان می‌دهد که

4. Neighboring

آزادشدن قدرت ایران در منطقه، همواره در گرو ایجاد منطقه‌ای با ثبات و آرام، کاهش مداخلات خارجی و گسترش روابط همسایگی به‌منظور تحقق منطقه‌گرایی درون‌زا بوده است.

۲. منازعات ساختاری در خاورمیانه با توجه به تقابل‌ها و تعارضات ایدئولوژیک، قومی، ژئوپلیتیک قدرت، مرزی و سیاسی نیازمند روابط همسایگی است. با گسترش روابط همسایگی، بسیاری از تعارضات ساختاری در خلیج فارس و خاورمیانه قابل مدیریت هستند.

۳. مداخلات منفی بازیگران، برون‌منطقه‌ای و قدرت‌های مداخله‌گر، به‌عنوان مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی طی دو قرن اخیر، در گرو برساختن منطقه‌ای آگاه به روابط همسایگی است.

۴. رویکرد انقلاب اسلامی ایران به منطقه و یکی از راهبردهای اصلی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، تقویت روابط همسایگی به‌منظور تحقق منطقه‌ای با ثبات و اخراج قدرت‌های مداخله‌گر در خاورمیانه و خلیج فارس است. بنابراین همسایگی برای ایران یک سیاست راهبردی محسوب می‌شود. اما با وجود سیاست رسمی اعلانی ایران، تحقق سیاست همسایگی در سیاست خارجی همواره با موانع جدی روبه‌رو بوده است. (Mousavinia, 2022: 116-117).

در این قسمت به نظریه‌های امنیت ملی در چارچوب الگوهای راهبردی اشاره و دو مورد پایانی را به‌دلیل ارتباط با موضوع پژوهش تشریح می‌کنیم:

۱. الگوی راهبردی نظریه امنیت منطقه‌ای. همان‌گونه که در بررسی این نظریه گفتیم، تأکید بر بازیگران منطقه‌ای در تأمین امنیت ملی بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد. در این نظریه تأکید بر عامل جغرافیایی و تهدیدات خارجی در تعیین منطقه امنیتی نقش بی‌بدیلی دارد (Ashouri, 2018: 191-214).

۲. الگوی راهبردی نظریه امنیتی کردن. مفهوم امنیت در این نظریه، موضوعی بین‌ذهنی و «خود مصداقی» است. بنابراین آنچه در این میان نقش دارد، ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب است. در این نظریه، امنیتی کردن پدیده‌ها پس از طی سه مرحله اتفاق خواهد افتاد. بر این اساس، ابتدا ترکیبی از موقعیت اجتماعی و اقدام گفتاری، پدیده امنیتی را به رسمیت می‌شناسد و در مرتبه دوم، پدیده امنیتی همچون تهدید وجودی شناسانده می‌شود و در مرتبه سوم، با پذیرش مخاطب، فرایند امنیتی کردن به اتمام می‌رسد. از این رو معنای امنیتی کردن در مکتب کپنهاگ به معنی «خارج کردن یک پدیده از حوزه‌ای عمومی و وارد کردن آن به حوزه‌ای

ویژه است» (Mazaheri, 2019: 87-109).

۳. الگوی راهبردی نظریه تهاجم دفاع. در این نظریه با توجه به جایگاه ویژه‌ای که تکیه بر قدرت در دفع تهدیدات دارد بر توانمندی‌های نظامی به صورت مشخص در تأمین امنیت ملی تأکید می‌شود. از این رو کانون نظریه تهاجم دفاع بر پایه توانمندی‌های نظامی یا به طور مشخص تر توانایی انجام مأموریت‌های نظامی استوار است (Aminmansour, 2020: 67-100).

۴. الگوی راهبردی رهیافت فرهنگ راهبردی. در این رهیافت گفته می‌شود که دولت‌های متفاوت، اولویت‌های راهبردی متفاوتی دارند و چنین اولویت‌هایی ریشه در الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی ایران و تجارب آن‌ها از زمان شکل‌گیری تاکنون دارد و از ویژگی‌های فلسفی، سیاسی، فرهنگی و شناختی دولت و نخبگانش تأثیر می‌پذیرد. بر اساس نظر دسته اول از معتقدان به این رهیافت، فرهنگ راهبردی، روشی برای شناختن عمیق‌تر و دقیق‌تر مسائل امنیت ملی است. بر این اساس، فرهنگ راهبردی را باید زمینه شکل‌گیری رفتار و یکی از مؤلفه‌های آن به حساب آورد. بر اساس این دیدگاه، راهبرد امنیت ملی جوانب زیادی دارد که یکی از آن‌ها جنبه فرهنگی است. فرهنگ یا فرهنگ‌ها ایجادکننده اندیشه مستمر اجتماعی و نه ابدی، دیدگاه‌ها، سنت‌ها و عادات فکری و روش‌های اقدام هستند که کم‌وبیش به جامعه، امنیتی خاص با پیشینه تاریخی مختص خود می‌دهد. تحقق این نظریه نیز با توجه به جایگاه فرهنگ در توجه و ساخت امنیت ملی در کشورها، حرکت به سمت استفاده از الگوهای ذهنی جامعه‌شناختی با تأکید بر مکتب فرهنگی، ما را به سمت تحقق رهیافت فرهنگ راهبردی خواهد برد. در مکتب فرهنگی، فرهنگ غالب، مهم‌ترین مؤلفه برای ساخت راهبرد است، بنابراین نگرش به نهادهایی که در شکل‌گیری فرهنگ مؤثرند بسیار مهم است (Lotfi, 2021: 267-280).

در تحلیل الگوی راهبردی، تحقق این نظریه نیز با توجه به جایگاه فرهنگ در توجه و ساخت امنیت ملی در کشورها، حرکت به سمت استفاده از الگوهای ذهنی جامعه‌شناختی با تأکید بر مکتب فرهنگی، ما را به سمت تحقق رهیافت فرهنگ راهبردی خواهد برد. در مکتب فرهنگی، فرهنگ غالب مهم‌ترین مؤلفه برای ساخت راهبرد است، بنابراین در این مکتب، نگرش به نهادهایی که در شکل‌گیری فرهنگ مؤثرند و آن را شکل می‌دهند بسیار مهم می‌شود. از این رو در عرصه بین‌الملل و جایی که تعامل سازمان‌های برتر اجتماعی است، توجه به نهادهای بین‌المللی مؤثر بر این سازمان‌ها در تحصیل امنیت اهمیت ویژه‌ای

دارد. سازمان‌های بین‌المللی، به دنبال ایجاد رهیافت فرهنگی هستند تا به وسیله آن بتوانند فرایند تعامل اجتماعی مبتنی بر اعتقادات و ادراک‌هایی را که میان اعضای جامعه جهانی به اشتراک گذاشته می‌شود، به هم نزدیک‌تر کنند و از این راه با طی فرایند اجتماعی سازی یا فرهنگی سازی مؤلفه‌های تأمین امنیت، به تحصیل امنیت در عرصه بین‌المللی و به تبع آن ملی برسند (Sari-alghalam, 2016: 89-98).

۵. الگوی راهبردی ایده امنیت مشترک. تمرکز بنیانی و مرکزی حاکم بر الگوی امنیت مشارکتی این است که همه کشورهای منطقه می‌توانند امنیت نسبی را با پذیرفتن یکسری محدودیت‌هایی برای خویش تأمین کنند. در این ایده، تضمین‌های امنیتی، نه از راه سلطه، بلکه برعکس با نپذیرفتن گزینش‌هایی که هدفشان کسب سلطه بر رقیبان است به وجود می‌آید. در این ایده، امنیت به صورت فزاینده‌ای به منزله ملک مشاع تعریف می‌شود که قابل تقسیم و تبدیل نیست. این رویکرد کشورها را به دوست و متحد و دشمن تقسیم نمی‌کند؛ اما تهدیدات علیه همه بازیگران مساوی است. بنابراین همه شرکا خواستار امنیت متقابل هستند (Alishahi, 2020: 147-169).

توجه کانونی ایده امنیت مشترک به محیط اشتراکی امنیت و نگاه به تهدیدات منطقه‌ای علیه بازیگران یک منطقه، ما را به سمت انتخاب مکتب محیطی برای تحلیل الگوی راهبردی این نظریه رهنمون می‌کند، زیرا در این مکتب، محیط عامل مؤثر بر دولت‌ها بوده و برای رسیدن به ایده امنیت مشترک، دولت‌ها باید از خواسته مطلق خود در منطقه برای تأمین امنیت مشترک بگذرند (Hafeznia, 2014: 63).

۴. روش‌شناسی پژوهش

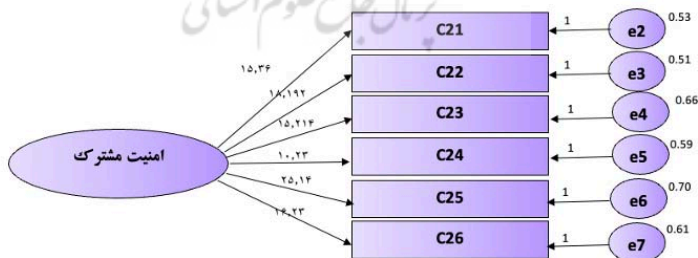
از آنجا که هدف ارائه الگوی امنیتی با تأکید بر امنیت مشترک و رهیافت فرهنگ راهبردی است از نظر هدف، کاربردی و از نظر رهیافت، توصیفی تحلیلی و نتایج آن مشخص و عینی است و نتایج حاصل از آن در رفع نیازها و حل مشکلات و به‌کارگیری آن در حل مسائل خاص در سازمان، جامعه کاربرد دارد. همچنین از نظر گردآوری اطلاعات، کمی است. جامعه آماری این پژوهش بنا به نوع مطالعه شامل خبرگان، مدیران، کارشناسان، فعالان حوزه امنیت در سال ۱۴۰۱ است. برآورد تعداد این افراد، حدود ۵۰۰ نفر به دست آمد. بر اساس جدول مورگان، برای جامعه ۵۰۰ نفری، تعداد نمونه ۲۱۷ نفر است که در این مطالعه، روی ۲۱۷ نفر اجرا شد. پژوهش حاضر از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات، پیمایشی است؛

بدین معنی که این مطالعه به صورت توصیفی پیمایشی بوده و با مرور منابع و نظریات علمی در حوزه پژوهش و مقایسه آن‌ها و اجرای مصاحبه و طراحی پرسشنامه محقق ساخته، براساس نتایج مصاحبه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، از شیوه‌ها و ابزارهای مختلفی استفاده شده است که در ادامه به تفکیک نیازهای مختلف مدل تحقیق بیان می‌شوند. برای گردآوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری، از پژوهش‌های کتابخانه‌ای و مطالعه کتاب‌ها و مقالات مختلف و سایت‌های علمی استفاده شده است. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه است و برای تدوین پرسشنامه از پرسشنامه محقق ساخته، برگرفته از مبانی نظری استفاده می‌کنیم تا مؤلفه‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها ارزیابی شود و پاسخ‌ها به صورت طیف پنج‌گویه‌ای لیکرت طراحی شود. نظر به اینکه در این مطالعه لازم است مدل مفهومی به دست آمده از بخش کیفی، آزمون شود، استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در مرحله کمی ضرورت دارد. برای تحلیل کمی داده‌ها و تحلیل‌های تعقیبی از نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزار PLS استفاده می‌شود.

۵. یافته‌ها

۵-۱. تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای امنیت مشترک

به منظور تعیین اعتبار امنیت مشترک از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده کردیم. تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند. یافته‌های مربوط به شاخص‌های برازش پیامد در جدول ۱ نشان می‌دهد که شاخص‌های CFI، GFI، NFI، RMR و RMSEA سطح قابل قبولی دارند و این مشخصه‌های نکویی برازش نشان می‌دهد داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر هم‌سویی سؤالات با سازه‌های امنیت مشترک است.



شکل ۱: ضرایب استاندارد امنیت مشترک بر اساس معادلات ساختاری با نرم افزار Amos

جدول ۱: شاخص‌های برازش مدل امنیت مشترک

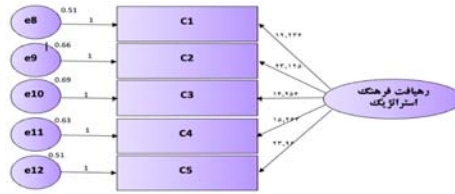
ویژگی	برآورد	ملاک
نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)	۱/۶۵	$\chi^2/df < 5$
جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۵۱	$RMSEA < 0/08$
شاخص نکویی برازش (GFI)	۰/۹۵	$GFI > 0/9$
شاخص تعدیل شده نکویی برازش (AGFI)	۰/۹۳	$AGFI > 0/9$
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۹	$CFI > 0/9$
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	۰/۹۸	$NFI > 0/9$

۵-۲. تحلیل عاملی تأییدی نظریه رهیافت فرهنگ راهبردی

اعداد روی مسیرها بارهای عاملی هستند؛ تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند. با توجه به خروجی ایموس در جدول ۲، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۱/۵۴ است، وجود χ^2/df کوچک‌تر از ۵، نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است. همچنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) باید کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۴۷ است. میزان شاخص‌های GFI، AGFI، CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹ باشد که در مدل بررسی شده به ترتیب بالاتر از میزان تعیین شده است. بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر هم‌سویی سؤالات با متغیرهای رهیافت فرهنگ راهبردی است.

جدول ۲: شاخص‌های برازش متغیرهای رهیافت فرهنگ راهبردی

مشخصه	برآورد	ملاک
نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)	۱/۵۴	$\chi^2/df < 5$
جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۴۷	$RMSEA < 0/08$
شاخص نکویی برازش (GFI)	۰/۹۶	$GFI > 0/9$
شاخص تعدیل شده نکویی برازش (AGFI)	۰/۹۴	$AGFI > 0/9$
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۹	$CFI > 0/9$
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	۰/۹۸	$NFI > 0/9$



شکل ۲: ضرایب استاندارد رهیافت فرهنگ راهبردی بر اساس معادلات ساختاری با نرم افزار Amos

۳-۵. تجزیه و تحلیل مدل و بررسی برازش مدل پیشنهادی پژوهش

در این بخش با استفاده از اطلاعات گردآوری شده به وسیله پرسشنامه‌ای که بر اساس شاخص‌های شناسایی شده در بخش کیفی طراحی و در بین نمونه آماری از جامعه مورد مطالعه توزیع شد؛ شاخص‌های مربوط به مؤلفه‌ها از لحاظ کمی، تجزیه و تحلیل آماری شدند که نتایج در ادامه آمده است. معیارهای برازش یکی از مهم‌ترین مراحل در تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری است. این معیارها برای پاسخ بدین پرسش است که آیا مدل بازنمایی شده توسط داده‌ها، مدل اندازه‌گیری پژوهش را تأیید می‌کند یا خیر؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، معیارهای برازش زیادی در روش‌شناسی مدل‌سازی معادلات ساختاری معرفی شده است:

۱. نسبت مجذور کای به درجه آزادی^۵: در آزمون مجذور کای فرضیه هماهنگی مدل مورد نظر با الگوی همپراشی^۶ بین متغیرهای مشاهده شده بررسی می‌شود. مقادیر کوچک‌تر آن، یعنی کمتر از ۳، نشانه برازندگی بیشتر است (گیلز^۷، ۲۰۰۲). کمیت خفی دو بسیار به حجم نمونه وابسته است و نمونه بزرگ، کمیت خفی دو را بیش از آنچه بتوان آن را به غلط بودن مدل نسبت داد، افزایش می‌دهد.

۲. شاخص نیکویی برازش (GFI)^۸ و شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)^۹:

این شاخص‌ها نشان‌دهنده اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس‌ها و کواریانس‌ها است که توسط مدل تبیین می‌شود. هر دو معیار بین صفر تا یک متغیر است که هر چه به عدد یک نزدیک‌تر باشند، نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده بیشتر است.

۳. ریشه میانگین (متوسط) باقیمانده‌ها (RMR)^{۱۰}: در این شاخص، باقیمانده‌های واریانس‌ها و

5. X2/df
6. covariance
7. Giles
8. Goodness of Fit Index
9. Adjusted Goodness of Fit Index
10. Root Mean of Residuals

کواریانس‌های مشاهده‌شده با برآوردهای انجام‌شده در مدل مقایسه می‌شوند. مقادیر کوچک‌تر آن نشانه‌ی برازندگی بهتر است. مدل‌هایی که در آن این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، برازندگی بسیار بالایی دارند، ولی مقادیر بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ نیز برای یک مدل خوب، مناسب است. ۴. شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA): این شاخص برای مدل‌های خوب ۰/۰۵ و کمتر است و مدلی که در آن این شاخص ۰/۱۰ یا بیشتر باشد برازش ضعیفی دارد. جدول ۳ وضعیت این شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج شاخص‌های برازش مدل تحقیق

RMSEA	RMR	CFI	NFI	AGFI	GFI	$\frac{\chi^2}{df}$
۰/۰۹۰	۰/۱۳۳	۰/۸۴۵	۰/۸۸۷	۰/۸۴۱	۰/۸۳۵	۲/۸۵۸

نتایج نشان از برازش مناسب مدل پیشنهادی دارد. پس از آزمون مدل‌های اندازه‌گیری اکنون لازم است مدل ساختاری‌ای ارائه شود که نشان‌دهنده‌ی ارتباط بین متغیرهای پژوهش است. با استفاده از مدل ساختاری می‌توان فرضیه‌های پژوهش را بررسی کرد. با توجه به نتایج و میزان ضرایب معناداری، از آنجا که برای رد یا تأیید روابط مقدار CR (نسبت بحرانی) باید بیشتر از ۱/۹۶ یا کمتر از ۱/۹۶ - باشد، مقدار پارامتر بین دو دامنه در الگو مهم شمرده نمی‌شود، همچنین مقادیر بین این دو مقدار حاکی از نبود تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌ها D رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد است. نتایج آزمون مدل در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴: نتایج اجرای مدل ساختاری پژوهش امنیت خلیج فارس

روابط	برآورد استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
رهیافت فرهنگ راهبردی ← الگوی تحقق امنیت خلیج فارس	۰/۶۸	۰/۰۴۵	۳/۸۱۳	۰/۰۰۰*
نظریه منطقه‌ای امنیت ← الگوی تحقق امنیت خلیج فارس	۰/۱۱	۰/۰۳۳	۲/۳۶۲	۰/۰۰۰*

$P \leq 0/05$

11. Root Mean Square Error of Approximation

بر این اساس مدل تحقیق با استفاده از نرم افزار Amos مورد سنجش نهایی قرار گرفت و همان طور که می بینیم تمامی روابط و با توجه به مقدار ضرایب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می شوند. الگوی روابط متغیرهای مدل امنیت خلیج فارس در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج به دست آمده در جدول ۴ نشان می دهد که تمامی موارد، بالاتر از مقدار مورد نظر بوده که این موضوع مطلوبیت مدل اندازه گیری را تأیید می کند.

جدول ۵: پایایی و روایی

معیار میانگین واریانس	روایی همگرا	پایایی درون سازه ها	الفای کرونباخ
۰،۵۲۶	۰،۹۱	۰،۸۵	۰،۹۶
۰،۶۱	۰،۸۴	۰،۷۲	۰،۶۹

روایی و اگر نیز توانایی یک مدل را در میزان افتراق مشاهده پذیرهای متغیر پنهان آن مدل با سایر مشاهده پذیرهای موجود در مدل می سنجد و می توان گفت مکمل روایی همگرا است که این نیز با روش فورنل لاکر قابل سنجش است. در جدول ۶، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون در این پژوهش که در خانه های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته اند، از مقدار همبستگی میان آن ها که در خانه های زیر هر متغیر و همچنین سمت چپ قطر اصلی ترتیب داده شده اند، بیشتر است. پس نتیجه می گیریم روایی همگرا و روایی و اگر در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

جدول ۶: معیار فورنل لاکر پژوهش

امنیت مشترک	رهیافت فرهنگ راهبردی
	۰،۷۲۴
۰،۶۵۹	۰،۹۴۲

۷. نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به پیشه پژوهش و چارچوب نظری مطرح شده در این پژوهش، به ضوح مشخص شد که فرهنگ راهبردی بستر مناسبی برای ایجاد امنیت است و این موضوع زمانی که در کنار نیاز کشورهای منطقه خلیج فارس به امنیت مشترک و دسته جمعی قرار گیرد، اهمیت دوچندان می یابد.

در ادامه به‌طور خلاصه نتایج بررسی‌ها و کیفیت تحقق دو فرضیه مورد نظر ارائه می‌شود:

فرضیه اول: بین امنیت مشترک و امنیت خلیج فارس ارتباط معنادار وجود دارد. ضریب مسیر این رابطه مقدار ۰٫۷۱۷، به‌دست آمد. برای ارزیابی معناداری این تأثیر باید به عدد معناداری t-Value مراجعه کرد که این عدد مقدار ۲٫۲۶۹ و فراتر از ۱٫۹۶ است و همچنین P-Value مقدار ۰٫۰۰۰ را به خود گرفته است. بنابراین فرضیه مورد نظر در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود و بین امنیت مشترک و امنیت خلیج فارس ارتباط معنادار وجود دارد. این نتایج با نتایج دشتی و میرزایی (۱۳۹۷)، نجفی‌زاده و میرزایی (۱۳۹۷)، کلور و همکاران (۱۳۹۸)، چو و همکاران (۲۰۲۰)، ویووو و همکاران (۲۰۲۰) و ریتا و همکاران (۲۰۱۹) هم‌سو است.

فرضیه دوم: بین رهیافت فرهنگ راهبردی و امنیت خلیج فارس ارتباط معنادار وجود دارد. ضریب مسیر این رابطه مقدار ۰٫۶۸، به‌دست آمد. برای ارزیابی معناداری این تأثیر باید به عدد معناداری t-Value مراجعه کرد که این عدد ۲٫۹۴۹ و فراتر از ۱٫۹۶ است. همچنین P-Value مقدار ۰٫۰۲۲ را به خود گرفته است. بنابراین فرضیه مورد نظر در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود و بین رهیافت فرهنگ راهبردی و امنیت خلیج فارس ارتباط معنادار وجود دارد. این نتایج با نتایج بیرقی و همکاران (۱۳۹۹)، دشتی و میرزایی (۱۳۹۷)، نجفی‌زاده و میرزایی (۱۳۹۷)، امینان و همکاران (۱۴۰۰)، کلور و همکاران (۱۳۹۸)، چو و همکاران (۲۰۲۰)، ویووو و همکاران (۲۰۲۰)، جینگ و همکاران (۲۰۱۹)، شعبانی و عباسی مهر (۲۰۱۹) و ریتا و همکاران (۲۰۱۹) هم‌سو است.

در پایان لازم است پیشنهادهایی برای به‌کارگرفتن در پژوهش‌های آینده مطرح کنیم:

- پیشنهاد می‌شود با توجه به تأثیرات متغیرهای فرهنگی و اجتماعی که اجتناب‌ناپذیر است، متغیرهای پژوهش در سایر مناطق راهبردی مورد آزمون قرار گیرد و نتایج به‌دست آمده مقایسه شود. به این ترتیب، علل و عوامل تأثیرگذار بر کاهش و افزایش متغیرها با توجه به مناطق مورد آزمون تا حد زیادی مشخص و سبب ارائه راهکارهای مناسب با شرایط موجود می‌شود.

- در پژوهش‌های آینده در مورد مؤلفه‌های این پژوهش، جامعه آماری متفاوتی نسبت به مطالعه حاضر انتخاب شود.

همچنین با توجه به شرایط منطقه و جهان اسلام، سیاست جمهوری اسلامی ایران در توجه

به تعامل و ارتباط با همسایگان و همچنین توافق ایران و عربستان در احیای روابط و تعامل در حوزه‌های مختلف امنیتی، سیاسی و اقتصادی، به نظر می‌رسد موارد زیر قابل پیگیری باشد:

- بر اساس پژوهش‌ها و مشاهدات، شرایط امروز از هر زمانی در دهه‌های اخیر برای ایجاد نظام امنیت دسته جمعی در خلیج فارس فراهم‌تر است؛ بنابراین در این خصوص باید از همه ظرفیت‌های درونی و منطقه‌ای بهره برد.

- ایجاد یک اتحادیه یا نظام امنیتی مشترک می‌تواند علاوه بر امنیت، ظرفیت همکاری‌های اقتصادی در سطح منطقه را بالا ببرد؛ این مهم به‌ویژه با هماهنگی و تعامل هرچه بیشتر با کشورهای تأثیرگذار منطقه خلیج فارس همچون عربستان سعودی امکان‌پذیر خواهد بود.

- جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با کاربست ترتیبات همکاری جویانه چندجانبه، وضعیت امنیتی خود در سطح منطقه را افزایش دهد و این مهم به نفع منطقه است.

- ایران می‌تواند به پشتوانه ارزش‌های اسلامی و از رهگذر گفت‌وگوها و مذاکرات منطقه‌ای و ترویج روحیه تحمل عقاید دیگران، وضعیت خود را بهبود ببخشد.

- الگوی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در چارچوب مدل امنیت دسته‌جمعی از مطلوبیت بیشتری در مقام راه‌حلی میان‌مدت و درازمدت برخوردار است.

- با توجه به ظرفیت‌ها و نیازهای موجود در منطقه خلیج فارس، سیاست خارجی ایران باید فعال‌تر از گذشته عمل کند و ضمن تعامل با کشورهای حوزه خلیج فارس نسبت به تأمین امنیت از رهگذر فرهنگ و امنیت مشترک اقدام و جهان اسلام را از مزایای امنیت دسته‌جمعی بهره‌مند کند.

References

- Akhzarian, Mohammadreza (2013). Power-creating elements in the internal structure of the system, Political Science Quarterly, No.152. [In Persian]
- Alishahi, Abd-alreza; Forouzan, Younos (2020). The impact of the strategic alliance of the UAE and the Zionist regime on the security of the Persian Gulf, Afaq Security Quarterly, Vol.13, No.49.[In Persian]
- Amin mansour, Javad (2020). Environmental dimensions of cooperation and security in the Persian Gulf, Foreign Policy Quarterly, No.61. [In Persian]
- Amiri, Ali; Haghighi, Ali Mohammad; Zarei, Ghafar (2020). The political-economic consequences of the political management of the Strait of Hormuz in foreign policy c. A. Iran on the security of the Persian Gulf, Iranian Political Sociology Monthly, Vol.11.[In Persian]
- Ashouri, Gholamreza; Mortezaei, Sheida (2018). Investigation and analysis of the security structure of the Persian Gulf and the Strait of Hormuz in line with the deterrence security model with an emphasis on the regional and international strategic role, The scientific and research quarterly of new attitudes in human geography, Vol.38, No.2.[In Persian]
- Ebrahimi kiapay, Hadi (2019). The impact of the developments of 2011 in the Middle East on the improvement of the security complex of the Persian Gulf, Quarterly journal of interdisciplinary studies of strategic knowledge, No.9. [In Persian]
- Eftekhari, Asghar (2014). The threat versus threat strategy in the defense policy of the Islamic Republic of Iran, Defense Policy Quarterly, No.88. [In Persian]
- Ghorbani, Mozhgan (2012). The deployment of the US missile defense shield in the Persian Gulf and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran, Defense policy, Vol.10, No.38 [In Persian]
- Hafeznia, Mohammadreza; Faraji, Bahram (2014). The impact of energy geopolitics on the formation of regional security arrangements: a case study of

- the Persian Gulf from 1970 to 2010, Afaq Security Quarterly, Vol.7, No.24. [In Persian]
- Hayat Moghadam, Amir; Kalantari, fath-Allah; Fallah, Abbas (2017). Identifying the factors related to the defense-security component in order to strengthen the internal structure of the power of the system with emphasis on the Supreme Commander's menu, Defense strategy magazine, Vol.13, No.45.[In Persian]
- Lotfi, Heidar (2021). Investigating the role of Makran region in the security of the Persian Gulf, Geographic information magazine, Vol.30, No.117 [In Persian]
- Mazaheri, Mohammadmehdi (2019). Iran's role and position in the security system of the Persian Gulf, Islamic World Political Research Quarterly, Vol.9, No.1 [In Persian]
- Moradi, Abdollah (2015). Various approaches to the security system of the Persian Gulf, Tebayin Strategic Think Tank. [In Persian]
- Motalebi, Masoud (2012). Trust building as a prerequisite for security and collective security system in the Persian Gulf, Political Studies Quarterly, Vol.5, No.18 [In Persian]
- Mousavinia, seyedreza (2021). Pathology of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran from the perspective of the neighborhood theory, Journal of fundamental and applied studies of the Islamic world, Vol.3, No.10 [In Persian]
- Nilforoushan, Abbas; Naghizadeh, Hamid (2021). The necessity of providing collective security in the Persian Gulf region with a look at the relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia, Defense policy, No.115 [In Persian]
- Salmani pournalak, Fatemeh (2014). Pathological approach to the convergence process in the Persian Gulf region, Collection of articles, vol1 ., Tehran.[In Persian]
- Sari-alghalam, Mahmoud (2016). The international system and the new geopolitics of the Middle East, Political science research paper, Vol.12, No.1.[In Persian]
- Simbar, Reza; Rezapour, Danial; Azin, Sedigheh (2020). The policy of the Islam-

ic Republic of Iran towards the countries of the Persian Gulf Cooperation Council, Journal of fundamental and applied studies of the Islamic world, Vol.2, No.6.[In Persian]

Taheri, Sadeghi-bakiani (2016). The impact of building security complexes on regional security: a case study of the Persian Gulf security complex, Defense policy, Vol.24, No.2 [In Persian]

Zarezadeh, Rasoul (2021). harms and challenges of security of internal issues; Case Study Virtual social networks, Defense strategy magazine, Vol.24, No.92.[In Persian]

